



جامعیت فقه سیاسی شیعه

محمدجواد رودگر*

فقه سیاسی شیعه از جامعیت و کمال خاصی برخوردار است که پویایی و پایداری آن وابسته به دو عنصر محوری است: ۱. منابع جامع و کامل؛ ۲. اجتهاد منطبق با زمان و مکان، و در تدبیر اجتماع و اصلاح امور رعیت و سامان‌دهی آنها براساس منابع و اجتهاد بالنده در منابع عمل خواهد کرد. در فقه سیاسی شیعه، مسائلی مانند: ۱. ضرورت حکومت؛ ۲. مبانی حکومت؛ ۳. متد و روش حکومت؛ ۴. اهداف حکومت؛ ۵. مکانیسم حکومت در دو مقام «تعریف» و «تحقق» کاملاً مورد توجه است. گفتمان حاکم و مسلط در این فقه، گفتمان عدالت است که با عناصری چون «عقلانیت» و «معنویت»، رابطه تنگاتنگی دارد؛ به عبارت دیگر، فقه سیاسی شیعه در مقام تعریف و تحقق با مثلث «عدالت»، «عقلانیت» و «معنویت»، قابلیت حضور و ظهور داشته، معیار سنجش و منطق ارزیابی این نوع حکومت نیز هست. به تعبیر امیر مؤمنان علی علیه السلام: «العدل اساس به قوام العالم» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۸۳-۸۵). همچنین، می‌فرمایند: «جمال السياسة العدل فی الامر» (غررالحکم، ح ۷۷۳۷). در قرآن نیز آیاتی همچون: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵)، «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ

آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَلَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ» (نساء: ۱۳۵) و... دال بر این مسئله‌اند و در نتیجه از حیث هدف‌شناسانه نیز: ۱. تعلیم کتاب و حکمت یا ارائه منطق زندگی و فلسفه درست خلقت؛ ۲. تزکیه نفس و تهذیب باطن؛ ۳. اقامه عدالت اجتماعی فقه سیاسی شیعه، قابل بررسی، تحلیل و تعلیل است که در واقع هدف اولی و بالاصاله انسان‌سازی می‌باشد و اگر انسان‌ها براساس بینش و گرایش توحیدی و منطق وحی تربیت شدند، برای اقامه عدالت در متن جامعه نیز می‌کوشند؛ به عبارت دیگر، بینش، گرایش و منش الهی آنان را به سمت روش و کنش الهی سوق می‌دهد و عدالت فکری - اخلاقی به عدالت اجتماعی منتهی خواهد شد. اگرچه در فقه سیاسی اسلامی در مقام تحقق عدالت اجتماعی، سه ویژگی لازم است: ۱. عدالت اعتقادی - اخلاقی؛ ۲. عدالت خواهی؛ ۳. عدالت‌گستری چه اینکه تا انسان عادل، عدالت‌خواه و عدالت‌گستر نباشد، اقامه عدالت در جامعه ممکن نخواهد بود. البته در جامعه به حکومت عدل و حاکم عادل، جامعه عدالت‌پذیر، نیروهای مدافع و مجری عدالت و قانون عادلانه نیز نیاز است که در آیات یادشده به خوبی نمایان است؛ ولی باید توجه داشت معنویت، پایه عدالت و عدالت، زمینه‌ساز تعالی معنوی فرد و جامعه می‌باشد.

در فقه سیاسی شیعی، اصل اصیل امامت و ولایت که در سه شأن «فکری - عقیدتی»، «روحی - معنوی» و «سیاسی - اجتماعی» مطرح است، می‌تواند جامع هدایت و تدبیر علمی - عملی یا از عقاید و جهان‌بینی تا اخلاق و سیاست را دربرگرفته، همه ساحت‌های فردی و اجتماعی را ذیل پوشش خود بگیرد که در واقع جوهر حکومت امامتی - ولایتی چنین است و در عصر غیبت

امام معصوم(عج) یا حجت بالغه الهیه، فرآیند تدبیر جامعه بر عهده جانشینان عام امام و به صورت عینی بر عهده ولیّ فقیه جامع‌الشرایط است که در قالب نظریه ولایت فقیه، متبلور است و در واقع ولایت فقه و عدل است.

قدرت سیاسی از یک منظر، موضوع فقه سیاسی است؛ بنابراین لازم است قدرت سیاسی را به نظارت و تحدید حدود و گستره آن از یک سو و ماهیت و مولفه های آن از سوی دیگر، مورد پژوهش قرار داد و نیم‌نگاهی به قدرت سیاسی از منظر قرآن داشته، رابطه عرفان و سیاست نیز مورد تحلیل قرار گیرد. به همین منظور در شماره پیش روی، مسائل یادشده مورد واکاوی و بازفهمی قرار گرفته است و در واقع قرآن کریم و آرای امام خمینی * و نگاه عرفانی جوهره مباحث یادشده را تشکیل داده‌اند. از سویی، حقوق اجتماعی زن در ساحت قضاوت و مرجعیت در فقه که در ارتباط با مجموعه مباحث به صورت کلی و کلان است نیز مورد مذاقه واقع شد که امید است مورد توجه اصحاب فکر و نظر و ارباب دانش سیاست قرار گیرد.